

حکایت چهار هندو

تألیف مولانا جلال الدین محمد بلخی

مثنوی معنوی

دفتر دوم

بر اساس نسخه‌ی رینولد نیکلسون

انتشارات آندیا گستر

تهران - ۱۳۹۲

حکایت چهار هندو

تألیف مولانا جلال الدین محمد بلخی

مثنوی معنوی
دفتر دوم

ناشر: انتشارات آندیا گستر

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۲

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۳-۱۰-۷۳۲۱-۶۰۰-۹۷۸-۱۰-3-7321-600-978 ISBN

قیمت: ۴۵۰۰ تومان

انتشارات آندیا گستر

تهران: خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه کوچه رستمی، پلاک ۳۰، طبقه همکف

تلفن: ۶۶۴۷۹۸۴۳ فکس: ۶۶۴۹۲۲۲۷

سرشناسه	: مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ ق
عنوان قراردادی	: مثنوی، برگزیده
عنوان و نام پدیدآور	: حکایت چهار هندو براساس نسخه ریخولد نیکسون/تألیف جلال الدین محمد بلخی
مشخصات نشر	: تهران: آندیا گستر، ۱۳۹۲
مشخصات ظاهری	: ۱۸۷ ص.
فروست	: مثنوی معنوی؛ دفتر دوم
شابک	: ۳-۱۰-۷۳۲۱-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا	
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۷ ق
شناسه افزوده	: نیکسون، رنالدالین، ۱۸۶۸ - ۱۹۴۵ م. مصحح
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۲: PIR5۲۹۹/آ۱
رده بندی دیویی	: ۸۱۶/۳۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۳۶۴۸۳۱

فهرست

۱۱	مقدمه
۱۳	سرآغاز
۱۸	هلال پنداشتن آن شخص خیال را در عهد عُمر
۱۹	دزدیدن مارگیر ماری را از مارگیر دیگر
۱۹	التماس کردن همراه عیسی علیه السلام زنده کردن استخوان ها
۲۰	اندرز کردن صوفی خادم را در بیمارداشتن بهیمه
۲۲	بسته شدن تقریر معنی حکایت به سبب میل مستمع
۲۲	گمان بردن کاروانیان که بهیمه ی صوفی رنجور است
۲۸	یافتن پادشاه باز را به خانه ی کمپیرزن
۳۰	حلوا خریدن شیخ احمد خضرویه علیه السلام جهت غریمان
۳۳	ترسانیدن شخصی زاهدی را که کم گری تا کور نشوی
۳۴	تمامی قصه ی زنده شدن استخوان ها به دعای عیسی علیه السلام
۳۶	خاریدن روستایی در تاریکی شیر را به ظن آنکه گاو اوست
۳۶	فروختن صوفیان بهیمه ی مسافر را جهت سماع
۴۰	تعریف کردن منادیان قاضی مفلسی را گرد شهر
۴۱	شکایت کردن اهل زندان پیش وکیل قاضی از دست آن مفلس

- ۴۲ تتمه‌ی قصه‌ی مفلس
- ۴۷ مثل
- ۴۸ ملامت کردن مردم شخصی را که مادرش را گشت به تهمت
- ۵۱ امتحان پادشاه به آن دو غلام که نو خریده بود
- ۵۲ به راه کردن شاه یکی را از آن دو غلام و از این دیگر پرسیدن
- ۵۴ قسم غلام در صدق و وفای یار خود از طهارت ظن خود
- ۶۰ حسد کردن حشم بر غلام خاص
- ۶۷ کلوخ انداختن تشنه از سر دیوار در حوی آب
- ۶۸ فرمودن والی آن مرد را که آن خاربین را که نشاندہ‌ای
- ۷۵ آمدن دوستان به بیمارستان جهت ذاللتون علیهم‌السلام
- ۷۷ فهم کردن مریدان که ذاللتون دیوانه نشده است
- ۷۸ رجوع به حکایت ذاللتون علیهم‌السلام
- ۷۹ امتحان کردن خواجه‌ی لقمان زیرکی لقمان را
- ۸۱ ظاهر شدن فضل و زیرکی لقمان پیش امتحان‌کنندگان
- ۸۴ تتمه‌ی حسد آن حشم بر آن غلام خاص سلطان
- ۸۵ عکس تعظیم پیغام سلیمان علیه‌السلام در دل بلقیس از
- ۸۷ انکار فلسفی بر قرائت إِنَّ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا
- ۹۱ انکار کردن موسی علیه‌السلام بر مناجات شبان
- ۹۲ عتاب کردن حق تعالی موسی علیه‌السلام را از بهر شبان
- ۹۳ وحی آمدن موسی علیه‌السلام را در عذر آن شبان
- ۹۵ پرسیدن موسی علیه‌السلام از حق تعالی سر غلبه‌ی ظالمان
- ۹۸ رنجاندن امیری خفته‌یی را که مار در دهانش رفته بود

اعتماد کردن بر تملق و وفای خرس	۱۰۰
گفتن نابینایی سائل که دو کوری دارم	۱۰۳
تتمه‌ی حکایت خرس و آن ابله که بر وفای او	۱۰۴
گفتن موسی علیه السلام گوساله پرست را که آن خیال اندیشی	۱۰۵
ترک گفتن آن مرد ناصح بعد از مبالغه‌ی پند	۱۰۷
تملق کردن دیوانه جالینوس را و ترسیدن جالینوس	۱۰۸
سبب پریشان و چریدن مرغی با مرغی که جنس او نبود	۱۰۸
تتمه‌ی اعتماد آن مکرور بر تملق خرس	۱۰۹
رفتن مصطفی صلی الله علیه و آله به عیادت صحابی رنجور و بیان	۱۱۰
وحی کردن حق تعالی به موسی علیه السلام که چرا به عیادت من نیامدی	۱۱۱
تنها کردن باغبان صوفی و فقیه علوی را از همدیگر	۱۱۲
رجعت به قصه‌ی مریض و عیادت پیغامبر صلی الله علیه و آله	۱۱۴
گفتن شیخی ابا یزید را که کعبه منم گردد من طوافی می‌کن	۱۱۴
حکایت	۱۱۵
دانستن پیغامبر صلی الله علیه و آله که سبب رنجوری آن شخص	۱۱۶
عذر گفتن دلقک با سید که چرا فاحشه را نکاح داد	۱۱۹
به حیلست در سخن آوردن سائل آن بزرگ را که خود	۱۲۰
حمله بردن سگ بر کور گدا	۱۲۱
خواندن محتسب مست خراب افتاده را به زندان	۱۲۲
دوم بار در سخن کشیدن سائل آن بزرگ را تا	۱۲۳
تتمه‌ی نصیحت رسول صلی الله علیه و آله بیمار را	۱۲۵
وصیت کردن پیغامبر صلی الله علیه و آله مر آن بیمار را و دعای آموزیدنش	۱۳۰

- بیدار کردن ابلیس معاویه علیه السلام را که خیز وقت نماز است ۱۳۲
- از خر فکندن ابلیس معاویه علیه السلام را و روپوش و بهانه کردن ۱۳۲
- باز جواب گفتن ابلیس معاویه را ۱۳۳
- باز تقریر کردن معاویه با ابلیس مکر او را ۱۳۴
- باز جواب گفتن ابلیس معاویه را ۱۳۵
- عنف کردن معاویه با ابلیس ۱۳۷
- نالیدن معاویه به حضرت حق تعالی از ابلیس و نصرت خواستن ۱۳۷
- باز تقریر ابلیس تلخیص خود را ۱۳۷
- باز الحاح کردن معاویه ابلیس را ۱۳۸
- شکایت قاضی از آفت قضا و جواب گفتن نایب او را ۱۳۹
- به اقرار آوردن معاویه علیه السلام ابلیس را ۱۳۹
- راست گفتن ابلیس ضمیر خود را به معاویه علیه السلام ۱۴۰
- فضیلت حسرت خوردن آن مخلص بر فوت نماز جماعت ۱۴۰
- تتمه ای اقرار ابلیس به معاویه مکر خود را ۱۴۱
- فوت شدن دزد به آواز دادن آن شخص صاحب خانه را ۱۴۱
- قضه ای منافقان و مسجد ضرار ساختن ایشان ۱۴۳
- فریفتن منافقان پیغمبر صلی الله علیه و آله را تا به مسجد ضرارش بزنند ۱۴۴
- اندیشیدن یکی از صحابه رضی الله عنه به انکار که رسول ۹ ۱۴۶
- قضه ای آن شخص که اشتر ضالّه ای خود می جست و می پرسید ۱۴۷
- متردد شدن در میان مذهب های مخالف و بیرون شدن ۱۴۸
- امتحان هر چیزی تا ظاهر شود خیر و شری که در وی است ۱۴۹
- شرح فایده ای حکایت آن شخص شتر جوینده ۱۵۰

۱۵۲	بیان آنکه در هر نفسی مسجدهای ضارر هست
۱۵۲	حکایت هندو که با یار خود جنگ می کرد بر کاری و خبر
۱۵۳	قصه آمدن غزان به کشتن یک مردی تا آن دگر بترسد
۱۵۴	بیان حال خودپرستان و ناشکران در نعمت وجود انبیا و اولیا
۱۵۵	شکایت گفتن پیرمردی به طبیب از رنجوری ها و جواب گفتن
۱۵۷	قصه جوسی و آن کودک که پیش جنازه ی پدر خویش
۱۵۸	ترسیدن کودک از آن شخص صاحب جثه و گفتن آن
۱۵۹	قصه تیراندازی و ترسیدن او از سواری که در
۱۶۰	قصه اعرابی و ریگ در جوال کردن و ملامت کردن آن
۱۶۱	کرامات ابراهیم ادهم قدس الله روحه العزیز بر لب دریا
۱۶۳	آغاز منور شدن عارف به نور غیبین
۱۶۵	طعنه زدن بیگانه یی در شیخ و جواب گفتن مرید شیخ او را
۱۶۷	بقیه قصه ابراهیم بر لب آن دریا
۱۶۸	دعوی کردن آن شخص که خدای تعالی مرا نمی گیرد به گناه
۱۷۰	بقیه قصه طعنه زدن آن مرد بیگانه در شیخ
۱۷۱	گفتن عایشه رضی الله عنها مصطفی صلی الله علیه و آله را که توبی مصلای به هر جا
۱۷۲	کشیدن موش مهار شتر را و معجب شدن موش در خود
۱۷۴	کرامات آن درویش که در کشتی متهمش کردند
۱۷۵	تشبیح صوفیان بر آن صوفی که پیش شیخ بسیار می گوید
۱۷۶	عذر گفتن فقیر به شیخ
۱۷۸	بیان دعوی یی که عین آن دعوی گواه صدق خویش است
۱۷۹	سجده کردن یحیی علیه السلام در شکم مادر مسیح علیه السلام را

- اشکال آوردن بر این قصه ۱۸۰
- جواب اشکال ۱۸۰
- سخن گفتن به زبان حال و فهم کردن آن ۱۸۱
- پذیرا آمدن سخن باطل در دل باطلان ۱۸۱
- جستن آن درخت که هر که میوه‌ی آن درخت خورد نمیرد ۱۸۱
- شرح کردن شیخ سز آن درخت با آن طالب مقلد ۱۸۲
- منازعت چهار کس جهت انکور که هر یکی به نام ۱۸۳
- برخاستن مخالفت و عداوت از میان انصار ۱۸۵
- قصه بطبعگان که مرغ خانگی پروردشان ۱۸۷
- حیران شدن حاجیان در کرامات آن ااهد که در ۱۸۸

مقدمه

بیان بعضی از حکمت تأخیر این مجلد دوم که اگر جمله‌ی حکمت الهی بنده را معلوم شود در فواید آن کار بنده از آن کار فرو ماند و حکمت بی‌پایان حق ادراک او را ویران کند و بداد کار نبرد دارد.

پس حق تعالی شمه‌ی بی از آن حکمت بی‌پایان مهاربینی او سازد و او را بدان کار کشد که اگر او را از آن فایده هیچ خبر نکند هیچ نجنبند؛ زیرا جنباننده از بهرهای آدمیان است که از بهر آن مصلحت کنیم و اگر حکمت آن بر وی فرو ریزد هم نتواند جنبیدن چنان که اگر در بینی اشتر مهار نبود نرود و اگر مهار بزرگ بود هم فرو خسبد و **إِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ**.

خاک بی‌آب کلوخ نشود و چون آب بسیار باشد هم کلوخ نشود و **السَّمَاءُ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ** به میزان دهد هر چیزی را نه بی حساب و **بِوِزَانٍ الْإِنْسَانِ** را که از عالم خلق مبدل شده‌اند و **يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ** شده‌اند و **مَنْ لَمْ يَدْقُقْ لَمْ يَدْرُ**.

پرسید یکی که عاشقی چیست گفتم که چو ما شوی بدانی
عشق محبت بی حساب است جهت آن گفته‌اند که صفت حق است به حقیقت و نسبت او به بنده مجاز است **يُحِبُّهُمْ** تمام است **يُحِبُّونَهُ** کدام است.